

## بررسی رابطه جریان تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)<sup>۱</sup>

سید کمیل طیبی

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان komail@econ.ui.ac.ir

کریم آذربایجانی

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان azarbaiejani@yahoo.co.in

بتول رفعت

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان monir\_rafat@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۲/۲ تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۷/۲۵

### چکیده

تئوری‌های سستی، تجارت بین‌الملل، تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جانشین یکدیگر در نظر می‌گرفتند. تئوری‌های جدید، FDI را به‌عنوان راهی برای توسعه مزیت‌های ویژه یک شرکت در نظر می‌گیرند. بنابراین، با گسترش ارتباطات تجاری مابین کشورها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز به‌عنوان مکملی برای تجارت افزایش می‌یابد. این مقاله به بررسی اثر جریان‌های تجاری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)<sup>۲</sup> در گروه‌های منتخبی از کشورها در طول دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶ میلادی می‌پردازد.

نتایج حاصل از برآورد الگوها مبین این نکته است که در اغلب گروه‌های منتخب، جریان تجاری دارای ارتباط مستقیم و معنی‌داری بر روی FDI است، یعنی افزایش جریان تجاری در این گروه‌ها، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده، که بیان‌گر وجود ارتباط مکملی بین این دو متغیر است. علاوه بر تجارت، تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و برخی متغیرهای هم‌گرایی نیز از جمله عواملی‌اند که دارای اثر معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این گروه‌ها و در طول دوره مورد مطالعه بوده‌اند.

طبقه‌بندی JEL: F23, F13

---

2- Foreign Direct Investment (FDI).

کلید واژه: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان تجاری، متغیرهای هم‌گرایی اقتصادی،  
داده‌های تابلویی، الگوی اثرات تصادفی

## ۱- مقدمه

کشورهای مختلف، اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه، در راستای جهانی شدن اقتصاد اقدام به تشکیل اتحادیه‌های مختلف اقتصادی کرده‌اند که این نوع اتحادیه‌ها عموماً از درجات مختلف یکپارچگی اقتصادی برخوردارند. در کوتاه‌مدت، یکپارچگی‌های منطقه‌ای اقتصادی منجر به تحریک سرمایه‌گذاری و تجارت درون منطقه‌ای شده و در بلندمدت نیز انتظار می‌رود که از طریق ترکیب بازارهای بزرگ‌تر، رقابت نزدیک‌تر و تخصیص کارا تر منابع، نرخ رشد را افزایش دهند (بلمشتروم و ککو، ۱۹۹۸).

از آنجایی که تجارت و FDI به‌عنوان دو کانال اصلی ادغام‌های اقتصادی مطرح‌اند، مسأله خلق تجارت و انحراف تجارت ناشی از یکپارچگی‌ها و توزیع مجدد FDI از کشورهای غیرعضو به کشورهای عضو یکپارچگی و مسأله جاننشینی FDI و تجارت، موضوعات مربوط در این زمینه‌اند.

این مقاله ضمن بررسی مبانی نظری پیوند یکپارچگی تجاری و FDI، با به‌کارگیری روش‌های پیشرفته اقتصادسنجی، به کمی‌سازی روابط بین متغیرهای تأثیرگذار بر این فرایند می‌پردازد، زیرا هر چند مطالعات تئوریک زیادی پیرامون موضوع پدیده یکپارچگی‌ها و ادغام‌های اقتصادی انجام گرفته است، اما از نظر بررسی‌های آماری و مدل‌سازی اقتصادی روی موضوع جریان FDI و ارتباط آن با یکپارچگی‌های تجاری، به‌ویژه در کشورهای آسیایی کم‌تر تمرکز ایجاد شده است. در مدل پایه‌ریزی شده برای FDI، برای نخستین بار اثر متغیرهای هم‌گرایی اقتصادی، نظیر هم‌گرایی درآمد سرانه، هم‌گرایی نرخ بهره و هم‌گرایی تکنولوژی بر FDI، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در مطالعات انجام گرفته قبلی در زمینه تجارت بین‌الملل و FDI، همواره برای نشان دادن اثر ادغام بر متغیرهای اقتصادی، از متغیرهای موهومی صفر و یک مربوط به عضویت و یا عدم عضویت یک کشور در ادغام استفاده شده است. در حالی که در این مطالعه، از حجم تجارت دوجانبه میان اعضا به‌عنوان متغیر ادغام استفاده می‌شود. در این مقاله، تأثیر جریان‌های تجاری یک‌پارچه، بر سرمایه‌گذاری خارجی در اتحادیه اروپا، جنوب شرق آسیا، سازمان همکاری اقتصادی اکو و سازمان D8 بررسی می‌شود.

## ۲- مفاهیم و تعاریف

به نظر آنکتاب، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری‌ای که متضمن مناسبات بلندمدت بوده و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقوقی یا حقیقی مقیم یک کشور در شرکتی واقع در خارج موطن سرمایه‌گذار باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم را می‌توان به کمک این ضابطه که برای کسب منافع پایدار و نیز قدرت لازم در مدیریت بنگاه انجام می‌گیرد، از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم باز شناخت. اما خصوصیت بارز این سرمایه‌گذاری‌ها آن است، که این سرمایه‌گذاری خارجی صرفاً یک سرمایه‌گذاری نیست، بلکه انتقال تکنولوژی، تجربیات و مهارت‌های مربوط به مدیریت و بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را نیز به همراه دارد.

## ۳- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی از اواخر قرن نوزدهم میلادی، اهمیت ویژه‌ای را در اقتصاد جهانی پیدا کرده، که تا کنون نیز ادامه داشته است. FDI، به‌طور جدی از اوایل دهه ۱۹۸۰ توجه جامعه جهانی، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را به خود جلب کرده است. هم‌چنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به‌عنوان عامل مهمی در هم‌گرایی بین کشورها مطرح شده است. برای نشان دادن چگونگی توزیع FDI در مناطق مختلف جهانی طی سال‌های گذشته جدول (۱)، برای تنظیم شده است.

طبق آمار ارائه شده در جدول ۱، مشخص می‌شود که روند جذب FDI تا سال ۲۰۰۰ میلادی همواره صعودی بوده است، به‌گونه‌ای که کل سرمایه‌های جذب شده در دنیا از این طریق از رقم ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰، به ۱۵۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. هم‌چنین همواره بیشترین حجم FDI به کشورهای پردرآمد دنیا وارد شده است. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، سهم کشورهای پر درآمد از کل جریان ورودی FDI به‌طور متوسط به رقمی بالغ بر ۷۸٪ رسیده است. در مجموع، کشورهای کم درآمد نیز در جذب جریان رو به افزایش FDI موفق بوده‌اند، به‌طوری که حجم جریان ورودی سرمایه‌گذاری به این کشورها از رقم ۱/۶۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰، به ۱۰/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است.



جمله دلایل دیگر کاهش FDI در سال‌های پس از پیروزی انقلاب بودند. آمارها نشان می‌دهند که ورود FDI به کشور، از سال ۱۳۷۳ مجدداً آغاز شده، هرچند در سال‌های پس از انقلاب نیز جریان ورود سرمایه‌ها به ایران به‌طور مطلق صفر نبوده است. نگاهی به جدول ۱ نشان می‌دهد که جذب FDI در ایران بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، از مبلغ ۲۲/۵۹ میلیون دلار، به‌میزان ۱۲۰ میلیون دلار تغییر یافته، اما متأسفانه مجدداً FDI در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ دچار کاهش شده است.

بر اساس طبقه‌بندی سازمان آنکتاد، در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی، ایران از نظر پتانسیل جذب FDI به‌ترتیب در رتبه ۵۷ و ۵۸ دنیا قرار گرفته است ولی از لحاظ عملکرد جذب FDI تنها توانسته است رتبه ۱۳۰ و ۱۳۳ دنیا را کسب کند و این در حالی است که کشور آذربایجان که از نظر پتانسیل جذب FDI در رتبه ۸۲ جهان قرار داشته، توانسته در این سال‌ها حائز رتبه اول در جذب FDI دنیا شود.

#### ۴- مروری بر ادبیات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

##### ۴-۱- رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت: چند نظریه

##### الف) نظریه بازدهی متفاوت سرمایه

در نظریه مزیت نسبی ریکاردو، تفاوت بازدهی کار، عامل تجارت به‌شمار می‌آید. اما در نظریه هکچراوهلین، تفاوت در فراوانی و میزان عوامل تولید موجود در یک کشور ملاک عمل قرار می‌گیرد. در این نظریه، دو عامل کار و سرمایه در نظر گرفته می‌شوند. بر اساس نظریه هکچراوهلین، کشوری که از نظر عامل تولید سرمایه غنی است به صادرات کالاهای سرمایه‌بر و کشوری که از نظر عوامل تولید کار غنی است، به صادرات کالاهای کار‌بر می‌پردازد. حال اگر عوامل تولید بین دو کشور تحرک داشته باشند، در این صورت ممکن است علاوه بر انتقال کالای سرمایه‌بر از کشور اول به کشور دوم، اصل سرمایه نیز به‌دلیل تفاوت در قیمت آن، به کشور دوم منتقل شود، به‌طوری که منجر به تولید کالاهای سرمایه‌بر در این کشور شود (موسا، ۲۰۰۲).

**ب) نظریه چرخه تولید ورنون**

ورنون (۱۹۶۰)، سرمایه‌گذاری خارجی را نتیجه چرخه تولید می‌داند. تولید اولیه هر کالایی ابتدا در کشور ابداع کننده انجام می‌گیرد، آن‌گاه بعد از عرضه محصولات در بازار داخلی، به تدریج محصول به کشورهای دیگر صادر می‌شود و به‌مرور زمان با افزایش صادرات در برخی کشورها، تولید این محصول نسبت به صادرات آن برای تولیدکننده مقرون به صرفه می‌شود، زیرا هزینه‌های توزیع کم‌تر می‌شود. در این مرحله، کشور نوآور امکان تأسیس یک واحد تولیدی در مکان خارجی را بررسی می‌کند و در صورتی که شرایط مساعد باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌پذیرد.

**ج) نظریه بنگاه**

با توجه به نظریه چرخه تولید ورنون، این سؤال مطرح می‌شود که اصلاً چرا شرکت‌های خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌کنند، در حالی که می‌توانند مجوز استفاده از تکنولوژی را به کشورهای خارجی بدهند. این سؤال از طریق نظریه بنگاه پاسخ داده می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد که بتوانند از مزیت‌هایی نظیر دسترسی به تکنولوژی، مهارت‌های مدیریتی، صرفه‌های ناشی از مقیاس، توانایی در بازاریابی و... استفاده کنند. (هادی ذوالنوز، ۱۳۷۹)

**د) نظریه درونی کردن**

نظریه بنگاه، در مورد این‌که چرا بنگاه‌ها از مزیت‌های ذکر شده در کشور خودشان استفاده نکرده و اقدام به صادرات نمی‌کنند، توضیحی ارائه نمی‌دهد. هم‌چنین این نظریه قادر به بیان این‌که چه کشوری به‌عنوان مقصد سرمایه‌گذاری پذیرفته می‌شود، نیز نیست. از این رو، نظریه درونی کردن از سوی افرادی نظیر کاسن (۱۹۷۹)، برنتون و وینترز (۱۹۸۷)، مطرح شد. بر اساس این نظریه، FDI به واسطه تلاش‌های بنگاه برای جایگزین کردن مبادلات بازاری با مبادلات داخلی، انجام می‌گیرد. در حقیقت، با ایجاد یک بنگاه جدید، برخی از هزینه‌ها نظیر وقفه زمانی، چانه زنی و عدم اطمینان، قابل صرفه‌جویی است و بنابراین بنگاه، FDI را به صادرات ترجیح می‌دهد.

1- Vernon, R (1960).

2 - Casson (1979).

3- Brenton P. and Winters A. (1987).

## ه) نظریه ترکیبی دانینگ

بر اساس تئوری دانینگ، برای این که بنگاه اقدام به FDI کند، سه شرط باید تأمین شود:

- ۱- باید در دارایی‌های غیرمشهود<sup>۲</sup> مزیت داشته باشد (مزیت مالکیتی).
  - ۲- استفاده از این مزیت‌ها با صرفه‌تر از فروش یا اعطای آن‌ها باشد (مزیت درونی‌سازی).
  - ۳- استفاده از این مزیت‌ها با ترکیبی از عوامل تولید در کشور میزبان برای بنگاه با صرفه‌تر باشد (مزیت مکانی).
- برای انجام FDI، باید هر سه مزیت مکانی، مالکیتی و درونی‌سازی وجود داشته باشد و هنگامی که یک شرکت خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری میکند مجموع این مزیت‌ها از مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری در خارج (نظیر هزینه ارتباطات و اطلاعات)، بالاتر است (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳).

به هر حال، در تمامی نظریه‌های ذکر شده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان جانشین و جایگزینی برای صادرات و تجارت خارجی در نظر گرفته شده است.

### و) تئوری‌های جدید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

امروزه بیش از گذشته این نظر میان اقتصاددانان جای باز کرده، که FDI می‌تواند مانند تجارت در خدمت رشد و توسعه یک کشور قرار گیرد. صرف نظر از تأثیرات مستقل FDI و تجارت بر رشد کشورها، روابط متقابلی میان این دو وجود دارد، که هنوز به‌طور کامل شناخته نشده‌اند. یکی از دلایل این امر، آن است که تئوری‌های تجارت و FDI، مستقل از یکدیگر شکل گرفته‌اند (آنکتاد، ۲۰۰۰). تئوری‌های جدید FDI، تنها مزیت مکانی و مالکیتی را برای ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری کافی می‌دانند. این تئوری‌ها رفتار شرکت‌ها در قالب مدل‌های تعادل عمومی، که سعی در توضیح چگونگی وضعیت تجاری این شرکت در صحنه تجارت بین‌المللی دارد، در نظر می‌گیرند. در چنین وضعیتی، اگر سرمایه‌گذاری به‌عنوان جایگزینی برای صادرات و تجارت باشد، با کاهش محدودیت‌های تجاری که به‌دلیل یکپارچگی‌های اقتصادی به‌وجود می‌آیند، کاهش می‌یابد. چنین حالتی برای FDI افقی (که در آن شرکت‌های خارجی، کالا یا خدمت

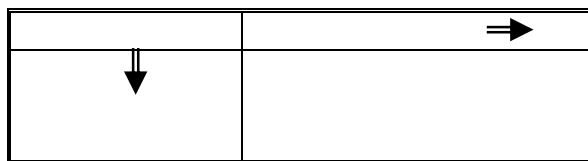
---

1- Dunning .  
2- Intangible Asset.  
3 -Horizontal FDI.



مشخصی را به‌طور یکسان در بازارهای خارجی تولید می‌کنند)، قابل مشاهده است. اما اگر FDI، مکمل صادرات و تجارت باشد، با ایجاد یکپارچگی اقتصادی و افزایش تجارت ما بین کشورهای عضو یکپارچگی، منجر به افزایش آن نیز خواهد شد. این حالت برای FDI عمودی که در آن شرکت‌ها مراحل مختلف فعالیت تولیدی خود را بر اساس مزیت‌های نسبی که ناشی از قیمت‌های متفاوت عوامل تولید بین کشورهاست، تقسیم می‌کنند، اتفاق می‌افتد. بنابراین، ارتباط ما بین یکپارچگی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به نوع سرمایه‌گذاری خارجی بستگی خواهد داشت، به‌طوری که مطابق با ادبیات جدید، تعامل بین آن‌ها زمینه ساز آثار متنوع درهم‌گرایی سرمایه‌گذاری و تجارت است (هلپمن، ۱۹۸۴).

از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادهای دهه‌های اخیر، روند رو به رشد ادغام اقتصادی کشورهای مختلف در اقتصاد جهانی است. این روند به جهانی شدن اقتصاد موسوم شده است، که به‌مفهوم از بین رفتن مرزهای ملی بوده و یکپارچگی تدریجی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌الملل از طریق گسترش حجم تجارت کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از خصوصیات آن به‌شمار می‌روند. کشورهای جهان، به‌طور روزافزونی آماده پذیرش تجارت‌های آزادتر و ارتباطات سرمایه‌گذاری با شرکای مناسب تجاری، به‌ویژه از نظر جغرافیایی‌اند که شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای جدید در دهه‌های اخیر نظیر اتحادیه ملت‌های جنوب شرق آسیا در جنوب شرق آسیا و یکپارچگی کشورهای آمریکای مرکزی و آمریکای شمالی، مؤید این مسأله است. نمودار زیر، شکل سازمان یافته‌ای برای بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یکپارچگی منطقه‌ای ارائه می‌کند:



عنوان تغییرات محیطی، دربرگیرنده درجه آزادسازی جریان سرمایه‌گذاری و آزادسازی تجارت به هنگام شکل‌گیری توافقات اقتصادی مورد نظر است. این متغیر به

1 - Vertical FDI.

2- Helpman , 1984.

نوع و ویژگی خاص توافق و شرایط محیطی اولیه مناطق بستگی دارد. حرکت از ردیف اول به دوم، نشان‌دهندهٔ ضعیف‌تر بودن درجهٔ آزادسازی است. عنوان مزیت‌های مکانی، به درجه و میزان منافع ناشی از وجود یک فعالیت سودآور اقتصادی در یک مکان به‌خصوص، اشاره دارد. این متغیر، به عواملی نظیر در دسترس بودن و هزینهٔ عوامل مختلف تولید و همچنین موقعیت جغرافیایی یک کشور با توجه به بازارهای مصرفی، وابسته است. با حرکت از ستون اول به دوم، مزیت مکانی یک کشور نسبت به سایر کشورهای عضو، توافقات یکپارچگی منطقه‌ای و بقیه جهان، ضعیف‌تر می‌شود.

با قرار گرفتن یک کشور در مناطق چهارگانهٔ این نمودار، می‌توان تأثیری را که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مذکور از ناحیهٔ یک ادغام منطقه‌ای می‌بیند متحمل می‌شود، به‌دست آورد. در عمل، بزرگ‌ترین اثر مثبت توافقات و یکپارچگی منطقه‌ای روی سرمایه‌گذاری برای کشورهای اتفاد می‌افتد که در ناحیه<sup>۱</sup> قرار گرفته باشند. این کشورها از درجهٔ یکپارچگی قوی و مزیت‌های مکانی فوق‌العاده مناسب سود می‌برند و می‌توان انتظار افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، را برای آن‌ها داشت. در ناحیه<sup>۲</sup> انتظار اینست که اثر توافقات یکپارچگی منطقه‌ای روی جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی باشد و امکان کاهش سرمایه‌گذاری واقعی وجود خواهد داشت، چون در این ناحیه یکپارچگی قوی است، ولی مزیت مکانی برای کشور وجود ندارد. ناحیه<sup>۳</sup> شامل آن دسته از کشورهایی است که دارای مزیت مکانی قوی‌اند، اما از یکپارچگی منطقه‌ای ضعیفی برخوردارند، بنابراین، تأثیر یکپارچگی روی جریان سرمایه‌گذاری، هرچند مثبت، ولی غیرقابل ملاحظه است و بالاخره در ناحیه<sup>۴</sup> جایی که کشور مورد نظر به‌دلیل عدم وجود مزیت مکانی ضربه می‌خورد و در عین حال یکپارچگی‌های منطقه‌ای ضعیفی دارد، توافقات یکپارچگی منطقه‌ای روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیری به‌جا نخواهد گذاشت.

#### ۴-۲- پیشینهٔ تحقیق

کرکیل (۲۰۰۰)، به آزمون تأثیر هم‌گرایی اقتصادی اروپا روی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که به‌جز متغیر هم‌گرایی- واگرایی درآمد سرانه و بهره‌وری

---

1 -Kyrkilis (2000).

عوامل تولید که اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند، بقیه متغیرهای هم‌گرایی- واگرایی، نظیر شاخص بهره‌وری نیروی کار و شاخص هزینه دستمزد و همچنین متغیر مجازی که برای گسترده‌تر شدن اتحادیه اروپا و عضوگیری آن به کار رفته‌اند، اثری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته‌اند.

گلوبرمن (۲۰۰۲)، به بررسی ارتباط ما بین ادغام‌های اقتصادی و FDI در شمال آمریکا و اروپا پرداخت. بررسی‌های وی نشان می‌دهد که هیچ قرابتی بین جریان تجاری و FDI در مناطق شمالی آمریکا وجود نداشته است، در حالی که در اتحادیه اروپا تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مکمل یکدیگر بوده‌اند.

نتایج تحقیق بلمشروم کوکو (۱۹۹۸)، بیان‌گر این مطلب است که میزان تأثیرگذاری توافقات ادغام تجاری، به تغییرات محیطی انجام شده از طریق این توافقات و مزیت‌های ناحیه‌ای کشورها، بستگی دارد. همچنین نتایج مطالعه این محققان نشان داده است که بیشترین اثر مثبت روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی وجود دارد که توافقات تجاری با تثبیت اقتصاد کلان و آزادسازی داخلی کشورها همراه شوند.

دی مایرو (۲۰۰۰)، از طریق به‌کارگیری مدل جاذبه، به بررسی این موضوع می‌پردازد که اولاً تأثیر یکپارچگی‌های اقتصادی بر ذخیره سرمایه چگونه است و آیا این مسأله منجر به یکپارچگی سرمایه‌گذاری نیز می‌شود؟ و ثانیاً تأثیر یکپارچگی و سرمایه‌گذاری بر صادرات به چه صورت است؟ نتایج حاصل از برآورد مدل جاذبه، نشان می‌دهد که برداشتن محدودیت‌های تعرفه‌ای، اثری بر جذب سرمایه‌گذاری نداشته است در حالی که از بین رفتن محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای منجر به کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش صادرات شده است.

اسکات و واروداکیس (۲۰۰۳)، به بررسی رابطه تجارت، آزادسازی نرخ ارز و FDI پرداخته‌اند، زیرا علی‌رغم برنامه‌های سیاست اقتصادی برای ثبات اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری، کشورهای خاورمیانه در جذب FDI شکست خورده‌اند. نویسندگان مقاله علت این ضعف را در وجود دیدگاه درون‌گرایی سنتی جایگزینی واردات در این کشورها عنوان کرده‌اند. محققان مذکور به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه آزادی تجاری در جامعه‌ای بیشتر باشد، جذب FDI در آن جامعه نیز بیشتر خواهد شد.

1- Globerman (2002).

2- Di Mauro (2000).

3- Sekkat and Varoudakis (2003).

از نظر سازمان تجارت جهانی، FDI و تجارت بین‌المللی عموماً پشتیبان یکدیگرند و با یکدیگر نقش اصلی را در جهانی شدن اقتصاد ایفا می‌کنند. باز شدن بازارها به روی تجارت جهانی، FDI و جریان‌های تکنولوژی، بازارهای گسترش یافته‌ای را برای کالاهای نهائی، واسطه‌ای و خدمات ایجاد کرده و به شرکت‌های چند ملیتی امکان دسترسی بهتر به بازارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را داده است. تجارت آزاد، سبب شکل‌گیری تولید بر اساس مزیت نسبی می‌شود و نهایتاً تولیدات یک کشور به سمت کالا و خدماتی سوق می‌یابند که با هزینه کم‌تری تولید می‌شوند، به طوری که از منابع موجود به نحو کاراتری استفاده شده و در نتیجه کالاها و خدمات با قیمت کم‌تری به بازار ارائه می‌شوند. علاوه بر این، حجم تجارت خارجی در اثر این فعل و انفعالات افزایش یافته و عاملی برای هم‌بستگی بیشتر و یکپارچگی اقتصادی می‌شود.

##### ۵- ارایه مدل: بررسی رابطه جریان تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در این بخش، به منظور تعیین چگونگی تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از جریان تجاری و در پرتو مباحث نظری و ادبیات تجربی موجود مطالعات انجام گرفته توسط دانیگ (۱۹۹۷)، کاشمن (۱۹۸۵) و گالگا و اسکات (۲۰۰۴) استفاده شده و معادله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت زیر پایه‌ریزی شده است:

$$FDI_{it} = f(Trade, GDP_{it}, Exch_{it}, FDI_{i(t-1)}, Y_{income}, Y_{interest}, Y_{tech})$$

به طوری که:

$GDP_{it}$ ، تولید ناخالص داخلی کشور  $i$  در زمان  $t$  است. این متغیر نشان‌دهنده اندازه اقتصاد و ظرفیت‌های اقتصادی کشور است و موقعیت کشور از نظر توسعه یافتگی تقاضا برای کالا و خدمات در آن کشور و سطوح زندگی رانشان می‌دهد. بر اساس مطالعات انجام شده توسط کراویس و لیپسی<sup>۳</sup> (۱۹۸۲)، روت و احمد<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) و شنایدر و فری<sup>۵</sup> (۱۹۸۵)، علامت این متغیر برای عده زیادی از کشورها مثبت است.

$Trade$ ، جریان تجاری دو جانبه کشورهای عضو یک بلوک با یکدیگر است و برای بررسی تأثیر جریان تجاری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، که هدف اصلی مقاله

1 -Kashman (1985).

2 -Galgau and Sehhat (2004).

3 -Kravis and Lipsey (1982).

4 -Root and Ahmed (1979).

5 -Schneider and Frey (1985).

است، به‌عنوان یک متغیر توضیحی وارد مدل می‌شود. در صورتی که تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جانشین یکدیگر باشند، رابطه بین این دو متغیر منفی و علامت ضریب تجارت در معادله FDI منفی خواهد بود. اما اگر همان گونه که نظریه‌های جدید عنوان می‌کنند تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مکمل یکدیگر باشند، بین این دو متغیر ارتباطی مستقیم به‌وجود می‌آید که باعث می‌شود علامت ضریب جریان تجاری در معادله مثبت شود. هم‌چنین در این مقاله از متغیر جریان تجاری به‌عنوان متغیر یکپارچگی اقتصادی نیز استفاده می‌گردد. زیرا هر چه یکپارچگی‌های اقتصادی بین کشورها بیشتر باشد، حجم تجارت بین‌المللی آن‌ها با یکدیگر بیشتر خواهد بود.

Exch، نرخ ارز مؤثر خارجی است. این نرخ نشان‌دهنده ارزش واقعی یک پول نسبت به مجموعه‌ای از پول‌های خارجی دیگر است. تاکنون شاخص‌های بسیاری برای نرخ مؤثر ارز که با شناسه‌های قیمت‌های نسبی تورم‌گیری شده‌اند، محاسبه و ارائه شده‌اند. در این مقاله از شاخص نرخ مؤثر ارز محاسبه شده توسط صندوق بین‌المللی پول استفاده می‌شود. آلبر (۱۹۸۱) ، معتقد است که هرچه پول رایج در کشور مبدا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به کشور میزبان قوی‌تر باشد، انگیزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالاتر می‌رود، زیرا در چنین حالتی هزینه سرمایه برای شرکت‌ها ارزان‌تر می‌شود. از نظری تئوری، از نقطه نظر صادرکننده، نرخ ارز به‌عنوان درآمد محسوب می‌شود، بدین صورت که هر قدر نرخ برابری برحسب یک ارز مشخص بالاتر باشد، تولیدکننده از صادرات مقدار معینی کالا، درآمد بیشتری برحسب پول ملی کسب کرده و انگیزه وی بیشتر می‌شود. با این حال، افزایش نرخ ارز منجر به گرانتر شدن کالاهای وارداتی می‌شود و از این دیدگاه، کاهش واردات را سبب می‌شود. این که اثر نرخ ارز بر جریان تجاری دارای چه علامتی باشد، بستگی به برابری کاهش واردات و افزایش صادرات دارد (طیبی و توکلی، ۱۳۷۹).

LagFDI، ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان در دوره گذشته است. در واقع، بالا بودن حجم سرمایه‌گذاری در یک کشور، به فرض ثبات سایر شرایط، می‌تواند علامت مثبتی از مهیا بودن شرایط و شاخص‌های مناسب برای انجام FDI در این کشور باشد (داوودی و شاهمرادی (۱۳۸۳)، ویلر و مودی (۱۹۹۲)).

1 -Aliber (1981).

2 -Wheeler and Mody (1992).

$Y_{income}$ ، شاخص هم‌گرایی-واگرایی درآمد است. تفاوت‌های درون‌کشوری در ساختار تقاضا، که از طریق تفاوت درآمد سرانه نسبت به میانگین آن در ناحیه نشان داده می‌شوند، ممکن است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از نظر بازاریابی کالای تولیدی دچار مشکل کنند. به عبارت دیگر، هم‌گرایی درآمد موجب افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. هم‌چنین تفاوت درآمد سرانه می‌تواند بیان‌گر تفاوت سطوح توسعه (به‌خصوص در منابع تولیدی و فرصت‌های شغلی) باشد. این تفاوت‌ها ممکن است انگیزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از طریق مزیت‌های مالکیتی افزایش دهد و بنابراین، هم‌گرایی درآمد که اشاره به همگنی سطوح منابع و ساختار تقاضا دارد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کاهش دهد. بنابراین رابطه بین هم‌گرایی درآمد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است منفی و یا مثبت باشد (کرکیل، ۲۰۰۰).

$Y_{interest}$ ، شاخص هم‌گرایی-واگرایی نرخ بهره است. نسبت سودهای متفاوت در کشورها می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درون منطقه‌ای را افزایش دهد و از آن‌جایی که مطابق تئوری نئوکلاسیک‌ها نرخ بازگشت سرمایه و نرخ بهره بلندمدت در تعادل با یکدیگر مساوی فرض می‌شوند، نرخ بهره بلندمدت به‌عنوان متغیر جایگزین (پروکسی) از سود به‌کار می‌رود. علاوه بر این، تئوری‌های اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که یکپارچگی بازارهای مالی منجر به یکسان شدن و هم‌گرایی نرخ بهره می‌شود زیرا با تحرک آزاد سرمایه، جریان سرمایه‌ها از کشورهای با نرخ بهره اسمی پایین‌تر به کشورهای با نرخ بهره واقعی بالاتر افزایش یافته و نهایتاً منجر به یکسان شدن نرخ بهره می‌شود، بنابراین هم‌گرایی نرخ بهره ممکن است اثر منفی بر روی سرمایه‌گذاری مالی ایجاد کند و این امکان وجود دارد که با کاهش جریان سرمایه‌گذاری مالی، جریان سرمایه‌گذاری فیزیکی نیز تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش یابد. (کرکیل، ۲۰۰۰).

$Y_{tech}$ ، شاخص هم‌گرایی-واگرایی تکنولوژی است و بیان‌گر اختلاف تکنولوژیک بین کشورهای دارای مبادله اقتصادی است. این متغیر می‌تواند هر دو جنبه جذب یا واگرایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ایجاد کند، یک تقریب مناسب در این خصوص، می‌تواند مبتنی بر تفاوت هزینه سرانه تحقیق و توسعه دو کشور باشد.

## ۶- شرحی بر داده‌های آماری

آمارهای استفاده شده در این مقاله، همگی از مؤسسه بانک جهانی گرفته شده‌اند. در این راستا، از آمارهای شاخص توسعه جهانی (لوح فشرده سال ۲۰۰۶) برای دوره

۲۰۰۵-۱۹۹۶ استفاده شده است. تمامی آمارها برحسب دلار آمریکا و به قیمت جاری‌اند، که در تخمین مدل از لگاریتم این متغیرها استفاده شده است. چون تعدادی از کشورها در برخی سال‌ها ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته‌اند و لگاریتم‌گیری از عدد صفر ممکن نبود و با توجه به این که هرگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشوری وجود داشته باشد، رقم آن به‌میزانی است که اگر با عدد یک جمع شود نیز تفاوت معنی‌داری در آن ایجاد نمی‌شود، برای رهایی از این مشکل، تمامی آمارهای مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با یک جمع شده‌اند. به‌عبارت دیگر، برای تخمین روابط مورد نظر، از لگاریتم  $1+FDI$  به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است.

در این مقاله، الگوی پایه‌ریزی شده در قسمت قبل برای ۴ گروه منتخب از کشورها برآورد می‌شود. این گروه‌ها عبارتند از:

- گروه ۱: شامل ۱۵ عضو اولیه اتحادیه اروپا (اتریش، دانمارک، یونان، ایرلند، فنلاند، آلمان، لوکزامبورگ، بلژیک، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، پرتغال، هلند و سوئد)
- گروه ۲: شامل ۱۰ عضو از اعضا اتحادیه جنوب شرق آسیا+۳ (مالزی، اندونزی، فیلیپین، سنگاپور، ژاپن، چین، کره، تایلند، ویتنام و کامبوج)
- گروه ۳: شامل ۹ عضو از اعضا سازمان همکاری اقتصادی اکو (ایران، ترکیه، پاکستان، قرقیزستان، ازبکستان، آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان)
- گروه ۴: شامل اعضا گروه D8 (ایران، ترکیه، پاکستان، مصر، اندونزی، مالزی، نیجریه و بنگلادش)

## ۷- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

قبل از برآورد مدل، لازم است تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. در روش داده‌های تابلویی، شکل کلی معادله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک فرم لگاریتمی به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$LFDI_{it} = a_0 + a_1 + a_2 + bZ_{it} + e_{it} \quad FDI_{it}$$

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور  $i$  در زمان  $t$  است، بردار  $Z_{it}$ ، یک مجموعه از لگاریتم متغیرهای توضیحی و  $e_{it}$  نیز عامل اخلال است.

از آن جایی که در روش مرسوم حداقل مربعات معمولی (OLS)، یعنی وقتی که داده‌ها مقطعی، سری زمانی و یا ترکیب شده (pooled) در نظر گرفته می‌شوند، محدودیت  $\alpha_i=0$  ظاهر می‌شود و به عبارتی، اثرات انفرادی کشورها یکسان فرض شده و نتایج دچار ارباب ناهمگنی ناشی از یکسان بودن این اثرات می‌شوند. برای برطرف کردن این مشکل، در روش داده‌های تابلویی محدودیت یکسان بودن اثرات انفرادی حذف می‌شود. برای تعیین وجود (و یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از کشورها، از آماره  $F_{Leamer}$  استفاده شد، که نتیجه دال بر رد فرضیه صفر بود. بنابراین، برای تخمین معادله، از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است.

برای تصمیم‌گیری در مورد به‌کارگیری روش اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی نیز از آزمون هاسمن که آماره آن دارای توزیع  $\chi^2$  دو (با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای توضیحی مدل) است، استفاده شد. این آزمون در حقیقت، آزمون فرضیه ناهمبسته بودن اثرات انفرادی و متغیرهای توضیحی است، که طبق آن تخمین‌های حداقل مربعات تعمیم یافته تحت فرضیه صفر، سازگار و تحت فرضیه مقابل ناسازگار است. به عبارت دیگر، تحت روش اثرات تصادفی که در آن از تخمین زنده‌های حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌شود، فرضیه صفر سازگاری ضرایب را نشان می‌دهد، در حالی که فرضیه مقابل مبتنی بر رد این سازگاری است. از سوی دیگر، تخمین‌های اثرات ثابت تحت هر دو فرضیه سازگار است. بر اساس آماره‌های هاسمن (در جدول ۲)، روش اثرات تصادفی در برآورد مدل استفاده می‌شود.

نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول ۲ خلاصه شده است. با توجه به این جدول مشخص می‌شود که:

اثر تولید ناخالص داخلی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تمامی گروه‌ها مثبت و در سطح ۹۹٪ معنی‌دار است، به عبارت دیگر با افزایش تقاضای داخلی برای کالاها و خدمات و گسترش بازار، سرمایه‌گذاران خارجی انگیزه بالاتری برای سرمایه‌گذاری پیدا کرده‌اند.

علامت متغیر نرخ ارز برای اعضای اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا منفی است ولی از سطح معنی‌داری لازم برخوردار نیست. در بقیه گروه‌ها نرخ ارز دارای اثر مثبت و معناداری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این ضرایب فرضیه آلیبر (۱۹۸۱) را تایید می‌کند. وی معتقد بود پول‌های رایج قوی، جذب سرمایه‌گذاری



مستقیم خارجی را کم‌تر و پول‌های رایج ضعیف، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تشویق می‌کنند.

حجم سرمایه‌گذاری در دوره قبل در تمامی گروه‌ها دارای علامت مثبت است، ولی این ضرایب تنها برای اتحادیه جنوب شرق آسیا از سطح معنی‌داری برخوردار است، به گونه‌ای که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری دوره قبل در این اتحادیه، منجر به ۰/۷ درصد افزایش در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است.

قبل از بررسی اثر متغیرهای هم‌گرایی بر FDI، لازم به توضیح است که برای محاسبه این متغیرها از مجذور مابه‌التفاوت مقدار متغیر مورد نظر در هر یک از کشورهای عضو و میانگین همان متغیر در بلوک منتخب استفاده شده است. بنابراین باید علامت متغیرهای هم‌گرایی بر عکس تفسیر شود، زیرا هر چه هم‌گرایی متغیرهای مورد نظر بین اعضا بیشتر باشد، مقدار محاسبه شده برای آن کوچک‌تر خواهد بود.

متغیر هم‌گرایی درآمدسرنانه که در تمامی گروه‌ها دارای اثر ناچیزی بر FDI بوده است، تنها برای اتحادیه جنوب شرق آسیا معنی‌دار است. در اتحادیه جنوب شرق آسیا هم‌گرایی درآمد سرنانه دارای اثر مثبتی بر جذب FDI می‌باشد. به عبارت دیگر همگنی سطوح توسعه یافتگی در این بلوک منجر به جذب FDI در این گروه گردیده است.

متغیر هم‌گرایی نرخ بهره در گروه‌های  $D_8$  و اکو دارای اثر مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده، که آن هم از نظر آماری بی‌معنی است. در بقیه گروه‌ها هم‌گرایی نرخ بهره منجر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است.

متغیر هم‌گرایی تکنولوژی در گروه اعضا سازمان همکاری اقتصادی اکو دارای اثر منفی، ولی بی‌معنی بر جذب FDI بوده است. در بقیه گروه‌ها هم‌گرایی تکنولوژی اثر مثبتی بر FDI داشته است. یک درصد افزایش در این متغیر در سازمان  $D_8$  موجب ۰/۴ درصد افزایش در جذب سرمایه‌گذاری شده است.

در نهایت، ضریب تخمینی برای جریان تجاری به غیر از اتحادیه جنوب شرق آسیا، در بقیه گروه‌ها دارای اثر مثبتی بر جذب FDI بوده است. به این ترتیب، رابطه بین جریان تجاری و FDI که هدف اصلی این مقاله بود، مشخص شد. این نتایج نشان می‌دهند که اثر یکپارچگی تجاری در اتحادیه جنوب شرق آسیا منجر به انحراف سرمایه‌گذاری خارجی در اعضا این گروه شده و یا به عبارتی تجارت و FDI در این اتحادیه جانشین یکدیگر بوده‌اند. اما در بقیه گروه‌ها نه تنها یکپارچگی اقتصادی موجب

تقویت جریان تجاری در بین اعضا این گروه شده، بلکه به دلیل وجود رابطه مکملی بین تجارت و FDI، شکل گیری این اتحادیه‌ها موجب جذب FDI بیشتری نیز شده است.

## ۸- نتیجه گیری

هدف اصلی این مقاله، بررسی ارتباط جریان تجاری (و یکپارچگی اقتصادی) با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود، که برای دستیابی به هدف مذکور بر مبنای ادبیات تئوریک موجود و با به کارگیری روش‌های اقتصادسنجی، معادله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای چهار گروه منتخب، پایه‌ریزی و برآورد شد. رابطه مثبت به دست آمده بین این دو متغیر در سه گروه از این گروه‌ها، نشان‌دهنده وجود رابطه مکملی بین آن‌ها است. وجود این ارتباط مکملی در ادبیات تجارت بین‌المللی بسیار اهمیت دارد، زیرا امروزه با گسترش جریان‌های تجاری به ویژه از طریق یکپارچگی‌ها و ادغام‌های مختلف اقتصادی بین کشورهای مختلف شکل می‌گیرد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا شکل گیری این یکپارچگی‌ها و ادغام‌های اقتصادی منجر به کاهش انگیزه و در نتیجه سطح سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عضو نمی‌شود؟ نتایجی که در این مقاله به دست آمد، هر گونه نگرانی در این زمینه را برطرف می‌کند، زیرا نتایج نه تنها نشان‌دهنده کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در نتیجه افزایش جریان تجاری نیست، بلکه عکس این مطلب را ثابت می‌کند.

<i>H</i>	<i>F<sub>Leamer</sub></i>	<i>R<sup>2</sup></i>	<i>htech</i>	<i>Hinterest</i>	<i>hincome</i>	<i>FDI(-1)</i>	<i>Exch</i>	<i>Trade</i>	<i>GDP</i>	
/	/	/	/	/	/	/	/	/	/	
			( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	
/	/	/	/	/	/	/	/	/	/	
			( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	
/	/	/	/	/	/	/	/	/	/	
			( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	
/	/	/	/	/	/	/	/	/	/	<b>D<sub>8</sub></b>
			( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	( / )	

t

## فهرست منابع

- ۱- داوودی، پرویز و اکبرشاهمرادی، (۱۳۸۳)، بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و ۴۶ کشور جهان، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، ص ۸۱-۱۱۳.
- ۲- طیبی، سید کمیل و اکبر توکلی، (۱۳۷۹)، یک چارچوب تحلیلی از تعامل بین واردات واسطه‌ای- سرمایه‌ای و صادرات غیرنفتی در بخش صنعتی اقتصاد ایران، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۱۵، ص ۱-۲۲
- ۳- هادی ذوالنوز، بهروز، (۱۳۷۹) سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.
- 4- Aliber, R.Z, (1981) Money, Banking and the Economy, Norton.
- 5- Bloms trom, M.and Kokko,A, (1998), Regional Integration and Foreign Direct Investment, *Working Paper Series in Economics and Finance*, No.172, pp. 12-34.
- 6- Brenton P. and Winters A, (1987), Estimating the international trade effects of 1992: WestGermany, *Journal of Common Market Studies*, N. 30, pp. 143-156.
- 7- Casson,T, (1976) The Future of the Multinational Firm, Landon: Mac Millan , Z<sup>a</sup>ed.
- 8- Di Mauro,F,(2000), The Impact of Economic Integration on FDI and Exports: A Gravity Approach, *CEPS Working Document*, No. 156.
- 9- Dunning, J, (1988), The Eclectic Paradigm of International Production: Restatement and Some Possible Extention, *Journal of Businessstudies*, No. 19 , PP. 1-31.
- 10- Dunning , J, (1997),The European Internal Market programme and Inbound FDI.Part 1, *Journal of Common Market Studies*,Vol 35, pp1-30.
- 11- Galgau, Olivia and Khalid Sekkat,(2004), Does Economic Integration Affect FDI Inflows to Member Counteries Equally? *Dulbea,ULB And European Commission, Working Paper*, WP-CEB04/025.
- 12- Globerman, steven, (2002), Trade, FDI and Regional Economic Integration: Cases of North America and Europe, *Western WashingtonUniversity Collage of Business and Economics Bellingham*, Washington 98225.
- 13- Helpman, E, (1984), A Simple Theory of Trade with MultinationalCorporations, *Journal of Political Economy*, No92, pp451-71.

- 14- Kravis, I. and R. Lipsey, (1982), The location of overseas production and production for export by US multinationals firms, *Journal of International Economics*, No. 12, pp201-223.
- 15- Kyrkilis, D, (2000) Economic Convergence and Intra Regional Foreign Direct Investment in the European Union.Greece: University of Macedonia Thessaloniki.
- 16- Moosa, I (2002), On the Determinants of FDI: Evidence from East and Southest Asia,*World Development* , No.21(3) , PP 391-406.
- 17- Root, F. and A. Ahmed, (1979), Empirical determinants of manufacturing direct foreign investment in developing countries, *Economic Development and CulturalChange*, No.9, pp. 81-93.
- 18- Schneider, F and Frey. B.S, (1985), Economic and potitical Determinants of FDI, *world Development* , No.13(2) , PP. 161-175
- 19- UNCTAD, (2000) World Investment Report, Geneva.
- 20- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), (2002) World Investment Report: Transnational Corporations and Competitiveness, United Nations, Newyork, Geneva.
- 21- Vernon, R, (1960), International Investment and International Trade in Product Cycle, The *Quarterly Journal of Economics*, No. 80. pp 128-231.
- 22- Wheeler, D. and A. Mody, (1992), International investment location decisions. The case of US firms, *Journal of International Economics*, No. 33, pp. 57-60
- 23- World Bank, (2006), World Development Indicators: CD-Rom, WDI 2006.